

ادبیات

لغت

- معانی در سایر متن‌ها: معنی‌هایی هستند که در کتاب درسی نیامده‌اند و در متن‌های دیگر به کار رفته‌اند.
- واژه‌های هم‌مانند: واژه‌هایی هستند که معمولاً از معانی آن‌ها به جای معانی اصلی لغت استفاده می‌شود.
- مطاع: فرمانروا، اطاعت شده، کسی که دیگری فرمان او را می‌برد. (واژه‌ی همانند ← مطیع: فرمانبردار، اطاعت‌کننده) معجز: سرپوش، روسری؛ معانی در سایر متن‌ها: چارقُد، سرانداز، پارچه‌ای که زنان روی سر خود می‌اندازند. (واژه‌ی همانند ← مجمر: آتشدان)
- چریغ: تلفظ محلی «چراغ» نزد مردم سیرجان؛ چریغ آفتاب: طلوع آفتاب، صبح زود
- بَن: درختی خود رو و وحشی که در برخی نقاط کوهستانی ایران می‌روید، پسته‌ی وحشی؛ معانی در سایر متن‌ها: انتها، تَه، قعر، اصل، ریشه (واژه‌ی همانند ← بلوط: درختی است تناور با برگ‌های شکافدار و گل‌های دراز و آویخته و زردرنگ).
- مَنّت: سپاس، شکر، نیکویی؛ معانی در سایر متن‌ها: احسان، فضل، لطف
- روی: چاره، امکان، راه؛ معانی در سایر متن‌ها: چهره، رخسار، گونه، وجه، رویدن، فلز خاکستری‌رنگ
- قرب: نزدیک شدن، نزدیکی، قربت، تقرب، خویشاوندی (واژه‌ی همانند ← غربت: دوری)
- هَتاکی: پرده‌داری، بی‌شرمی، بی‌حیایی
- هَمّت: اراده، آرزو، خواهش، عزم؛ معانی در سایر متن‌ها: وسعت‌نظر، بلندطبعی، دعای خیر مُرشد
- مَلک: سرزمین، کشور، مملکت؛ دارالملک: دارالملک، پایتخت؛ معانی در متن‌های دیگر: مُلک: پادشاهی، فرمانروایی (واژه‌های همانند: مَلک: فرشته / مَلِک: پادشاه / مِلک: زمین متعلق به شخص)
- گسلیدن: گسیختن، گسستن، جدا کردن
- مستمع: شنونده، گوش‌دارنده (واژه‌های همانند: استماع: گوش دادن، شنیدن)
- طاق: فرد، یکتا، بی‌مانند؛ معانی در سایر متن‌ها: ایوان، سقف خمیده (واژه‌ی همانند ← تاق: نوعی درخت)
- پیر: مُرشد، راهنما؛ معانی در سایر متن‌ها: سال‌خورده، کهنسال، فرتوت، ناتوان
- مُغ: پیشوای مذهبی زرتشتیان؛ معانی در سایر متن‌ها: زُرف، عمیق، گودی، گودال

املا

- واژه‌های مهم املائی و کاربرد هم‌آواها:
- فراغ: آسوده، آزاد و رها (فارق: جداکننده)
- فَراغ: آسایش، آسودگی؛ مثال: کسی دارد از هر دو عالم فراغ / که او چون قلم خورده دود چراغ
- فِراق: جدایی، دوری؛ مثال: کار یعقوب است از سوز فراق / دیده‌ای را بیت‌الاحزان باختن
- حوضه: حوض آب (حوزه: ناحیه، اقلیم، قلمرو)
- حیات: زندگی (حیاط: صحن خانه، محوطه)
- غربت: غریبی، دور از خانه (قربت: نزدیکی)
- سُخره: بیگاری، تمسخر (صخره: سنگ بزرگ و سخت)
- طاق: سقف خمیده و منحنی (تاق: نوعی درخت)
- منصوب: به شغل و مقامی گماشته شده (منسوب: نسبت داده شده)

دستور

□ کاربرد معنایی چند فعل

- نیست: ۱- منفی فعل «است»: زاهد ظاهرپرست از حال ما آگاه نیست.
- ۲- فعل خاص، به معنای «وجود نداشتن»: ز دانش به اندر جهان هیچ نیست (در جهان، چیزی بهتر از دانش وجود ندارد).
- شدن: ۱- فعل اسنادی: معشوقه به سامان شد تا باد چنین بادا
- ۲- فعل خاص، به معنای رفتن: گفت: «نزدیک است والی را سرای، آن جا شویم»

□ کاربرد انواع «را»

- ۱- نشانه‌ی مفعول: مثال: به ملا زمان سلطان که رساند این دعا را ← که به شکر پادشاهی ز نظر مران گدا را «را» در هر دو مصراع، نشانه‌ی مفعول است.
- ۲- نشانه‌ی حرف اضافه: «را» به معنای «از، به و برای» می‌آید و کلمه‌ی پیش از «را»، نقش متممی پیدا می‌کند.
مثال: ای صبا گر به جوانان چمن بازرسی ← خدمت ما برسان سرو و گل و بستان را
«را» به معنای «به» حرف اضافه است: سرو و گل و بستان را ← به سرو و گل و بستان
- ۳- نشانه‌ی فکّ اضافه: که در این حالت، مضاف و مضاف‌الیه جابه‌جا می‌شوند.
● مثال: یاد باد آن که سر کوی توام منزل بود ← دیده را روشنی از نور زُخت حاصل بود
دیده را روشنی ← روشنی دیده
- جهش ضمیر: گاه ضمیر متصل در جای اصلی خود قرار نمی‌گیرد که به آن جهش (پرش) ضمیر می‌گویند: مثال:
الا ای طوطی گویای اسرار ← مبادا خالیت شِکَر ز منقار
ضمیر «ت» در مصراع دوم، جهش ضمیر دارد: مبادا خالی شِکَر ز منقار

● مثال برای فکّ اضافه و جهش ضمیر در یک بیت:

طوطی را به خیال شکری دل خوش بود ← ناگهش سیل فنا نقش امل باطل کرد.
مصراع اول: «را» فکّ اضافه (جابه‌جایی مضاف و مضاف‌الیه: طوطی را ... دل ← دل طوطی)
مصراع دوم: جهش ضمیر پیوسته‌ی «ش»: ناگهش ... نقش امل ← ناگه ... نقش املش

□ ترکیب وصفی و اضافی

● ترکیب وصفی، دو نوع است:

۱- صفت‌های پیشین (اشاره، مبهم، پرسشی، تعجبی، شمارشی اصلی و ترتیبی و عالی) + هسته: این گل، کدام ستاره، زیباترین لبخند

۲- هسته + صفت‌های پسین (صفت بیانی و صفت شمارشی با پسوند م):

آثار ادبی، خوشه‌های زرین، خیابان ششم

□ وابسته‌ی وابسته (مُضاف‌الیه مضاف‌الیه): هرگاه سه اسم پشت سرهم قرار گیرند، اولین اسم هسته، دومی مضاف‌الیه و سومین اسم «مضاف‌الیه مضاف‌الیه» خواهد بود.

مثال: دیوار ← باغ ← روستا
هسته ← وابسته ← وابسته‌ی وابسته
(مضاف‌الیه) (مضاف‌الیه مضاف‌الیه)

نکته: اگر بیش از سه اسم پشت سرهم قرار گیرند، اسم‌های سوم به بعد، تماماً مضاف‌الیه مضاف‌الیه خواهند بود.

تاریخ ادبیات

● آشنایی با نویسندگان برخی از آثار:

(کویر: دکتر علی شریعتی)، (فی حقیقة‌العشق: شهاب‌الدین سهروردی)، (تمهیدات: عین‌القضاة همدانی)، (از پاریز تا پاریس: محمدابراهیم باستانی پاریزی)، (بخارای من، ایل من: محمدمبهم بیگی)، (مثل درخت در شب باران: محمدرضا شفیعی کدکنی)، (روایت سنگ‌سازان ۲: عیسی سلمانی لطف‌آبادی)، (کلیله و دمنه: ترجمه‌ی نصرالله منشی)

قلب شعری

● قصیده: شعری است که مصراع اول و مصراع‌های زوج آن هم‌قافیه‌اند و تعداد ابیات آن از پانزده بیت بیشتر است. عمده‌ترین مضامین قصیده‌های فارسی، مدح، رثا، وصف، پند و اندرز، حکمت و عرفان است. شعر «دماوندیه» در قالب قصیده سروده شده است.

● قطعه: شعری است حداقل در دو بیت که مصراع‌های زوج آن هم‌قافیه‌اند و موضوع آن معمولاً مطالب اخلاقی، اجتماعی، تعلیمی، مدح و هجو است. قالب شعری «مست و هوشیار» قطعه است.

آرایه‌های ادبی

● استعاره: ارائه‌ی یک کلمه به جای کلمه‌ی دیگر براساس تشبیه؛ مثال:
کوه جام لاله گیرد ابر لؤلؤ گسترد باغ چون مینو نماید راغ چون مینا شود
«لؤلؤ» استعاره از باران

نکته: در تعیین استعاره، اضافه‌ی استعاری (استعاره‌ی مکنیه) و آرایه‌ی تشخیص نیز به عنوان استعاره در نظر گرفته می‌شود؛ زیرا هر کجا تشخیص وجود داشته باشد، آرایه‌ی استعاره نیز وجود دارد.

مثال:

از گوهر ما گرچه خورد چشم جهان آب از گرد یتیمی است همان پیرهن ما
استعاره (اضافه‌ی استعاری): چشم جهان

● تشبیه: ارکان تشبیه: مشبه، مشبه‌به، وجه‌شبهه، ادات تشبیه
نکته: از میان چهار رکن تشبیه، وجه‌شبهه و ادات تشبیه قابل حذف است و آرایه‌ی تشبیه، گاهی به صورت «اضافه‌ی تشبیه‌ی» و گاهی به صورت «تشبیه تفضیل» ارائه می‌شود.

مثال: اگر کساد شکر بایدت دهن بگشای ورت خجالت سرو آرزو کند بخرام
تشبیه تفضیل: سخن معشوق شیرین‌تر از شکر و قامت او، بلندتر از قامت سرو است

قرابت معنایی

مفاهیم محوری آزمون:

● اشتیاق پایان‌ناپذیر عاشق:

سیر نگردد به بحر تشنه‌ی دریای وصل روی نتابد ز سیل غرقه‌ی طوفان عشق

● یکسان بودن شاه و گدا در بزم محبت:

بنازم به بزم محبت که آن جا گدایی به شاهی مقابل نشیند

● مفهوم «همت» به معنای «دعای خیر»:

همت از صاحب‌دلی کن التماس پس به صاحب دولتی کن التجا

● دعوت به انقلاب علیه حاکمان فرومایه:

برچین بساط ظالم بدخواه تیره‌روز بفرن سرش به خاک و بسوزان به آتشش

● بازگشت به اصل خویش:

طبايع بگسلند از یکدگر بند کند هر یک به اصل خویش پیوند

● ارزشمند شدن به واسطه‌ی عشق:

چه آتش‌پاره‌ای بودی الا ای کیمیایی دل که از برقی مس آلوده با زنگار زر کردی

● ناپایداری مقام و ثروت دنیا:

دل اندر سرای سینجی میند بس ایمن مشو در سرای گزند

● همه‌ی کم و زیاد شدن‌ها به دست خداست.

شود عزیز ابد آن که را دهی عزت نهی چو داغ مدلت همیشه خوار بود

● سرمست شدن از جلوه‌ی جمال حق:

در حریم وصل از عاشق اثر جستن خطاست نیست مکن خودنمایی در حرم محراب را

عربی

معنی لغات مهم

- ۱- إله: خدا - معبود / جمع: آلهة / = معبود
- ۲- أحقّ: سزاوارتر (ترین)
- ۳- ألمّ: به درد آورد / رجلی توألمنی: پایم درد می‌کند
- ۴- أصعب: دشوارتر (ترین) / ≠ أسهل
- ۵- أسرة: خانواده / جمع: أسر / أسیر: جمع: أسرى
- ۶- ألجأ: وادار کرد / = أجبر
- ۷- البعث: برانگیختن - فرستادن / = إرسال / ≠ استلام / يوم البعث
- ۸- تصليح: تعمیر کردن / ≠ عطلّ
- ۹- تساقط: بی‌دری افتاد
- ۱۰- تذكّر: به یاد آورد / ≠ نسی
- ۱۱- حين: زمان - هنگام / = زمن / جمع: أحيان / بعض الأحيان = بعض الأوقات
- ۱۲- جهاز: دستگاه / جمع: أجهزة
- ۱۳- خازن: جمع‌کننده - نگهدارنده / جمع: خزّان
- ۱۴- سرّ: شاد کرد / = فرّح / ≠ خزّن
- ۱۵- سبّ: دشنام داد
- ۱۶- السّيرة: شرح حال - رفتار - اخلاق / جمع: سير / = التّرجمة
- ۱۷- السّجن: زندان / جمع: سجون
- ۱۸- سائل: مایع - روان / جمع: سوائل / = مایع / ≠ جامد
- ۱۹- سلّم: صلح - سازش / ≠ الحرب
- ۲۰- قطعّ: پیمود - قطع کرد - برید / ≠ وصلّ (وصل کرد)
- ۲۱- قربان: قربانی / جمع: قرايين
- ۲۲- قام به انجام داد
- ۲۳- کائن: موجود / جمع: کائنات
- ۲۴- معطلّ: خراب شده
- ۲۵- موقف: ایستگاه / جمع: مواقف

نکته‌های آموزشی

- فرمول فعل «داشتن» فارسی در زبان عربی
برای بیان فعل «داشتن» در زمان حال از فرمول (لب + اسم «ضمیر») / عند + اسم (ضمیر) استفاده می‌کنیم مانند: أ لصديقك سيارة كبيرة؟ آیا دوستت خودرو بزرگی دارد؟ که برای منفی کردن آن از فعل «لیس» استفاده می‌کنیم که در آغاز جمله قرار می‌گیرد مانند: لیس للتلميذ غيرالدراسة حيلة: دانش‌آموز چاره‌ای جز درس خواندن ندارد.
و برای بیان همین فعل در گذشته فعل (کان / ما کان) را در آغاز جمله قرار می‌دهیم مانند: کان للمريض آثارٌ سيئةٌ من المرض: بیمار آثار بدی از بیماری داشت / ما کان لی غیرک أمل: جز تو امیدی نداشتیم.
- فرق صفت با حال چیست؟
با یک نمونه مطلب را توضیح می‌دهیم. اگر کلمه‌ی (متمول = ثروتمند) را در یک جمله از نظر تعداد و جنس و معرفه و نکره مطابق با اسم پیش از خودش به کار ببریم در این حالت برای آن اسم صفت می‌شود. مانند: رأيتُ الرَّجُلَ المَتمولَ: مرد ثروتمند را دیدم و حالا اگر همین کلمه را بدون آل و جدای از جمله و با تنوین نصب (أ) به کار ببریم نقش (حال) پیدا می‌کند مانند: رأيتُ الرَّجُلَ مَتمولًا. در فارسی وقتی صفت است می‌گوییم (مرد ثروتمند را دیدم) و وقتی قید حالت است می‌گوییم (مرد را، ثروتمند دیدم).
- جمله‌ی حالیه چه ویژگی‌هایی دارد؟
اگر ساختار [و + ضمیر جدا (هو - هی) + اسم] را در آخر جمله‌ی اصلی به کار ببریم، جمله‌ی حالیه نام دارد و در فارسی به صورت «در حالی که» ... می‌شود. مانند: جاءَ أحدُ التلاميذ من المدرسَةِ و هو مسرور
- معنی و کاربرد حرف (إنّ): حرف (إنّ) همیشه در اول جمله واقع می‌شود و معنای آن تأکید جمله بعد از خود است (همانا - به راستی - به درستی - بی‌گمان و ...) البته ترجمه فارسی آن را اغلب در ترجمه آیات و روایات می‌آوریم، ولی در جمله‌های معمولی می‌توانیم نیآوریم مانند: إنّ الله خلق الإنسان موجوداً متفكراً = همانا خداوند انسان را موجودی متفکر آفرید.
- معنی و کاربرد حرف (أنّ): این حرف به معنای (که - این است که) می‌باشد و همیشه در وسط جمله واقع می‌شود زیرا نقش ارتباطی بین دو قسمت از جمله دارد مانند: فهمتُ أنّ السارق في البيت: فهمیدم که دزد در خانه است.

دین و زندگی

نکته‌های آموزشی

- آیه‌ی شریفه‌ی «الله نور السماوات و الارض» با مفاهیم زیر ارتباط مفهومی دارد. خدا نور هستی است / رابطه میان خداوند و جهان هستی را می‌توان با این عبارت بیان کرد. / هر موجودی در حد خودش تجلی‌بخش خداوند و نشانگر حکمت و ... سایر صفات الهی است / ابیات: دلی کز معرفت نور و صفا دید / به هر چیزی که دید اول خدا دید - به صحرا بنگرم صحرا تو بینم - به دریا بنگرم دریا تو بینم و حدیث شریفه امام علی (ع) «الحمد لله المتجلی لخلقه...» با این عبارت قرابت دارند.
- رابطه جهان با خدا مانند رابطه بنا با مسجد نیست. تفاوت بنیادین میان این دو رابطه وجود دارد.
- مسجد از مصالح ساختمانی تشکیل شده که هیچ‌کدام از آن‌ها را بنا به وجود نیاورده است ولی خداوند هم خالق مصالح و خواص آن‌ها و حتی خالق خود بناست. وجود و هستی ما و بنا و مصالح و خواص آن‌ها همه وابسته به خداست و خداوند هر لحظه اراده کند آن‌ها از بین می‌روند. (بیان نیازمندی در مرحله بقا)
- وقتی گفته می‌شود؛ خداوند از چیزی به وجود نیامده است یعنی در وجود واحد است و عبارت شریفه «لم ild ولم یولد» مؤید این مطلب است / خداوند در وجود یکتاست زیرا خدایان متعدد نیازمند و ناقص هستند و هر یک به خالق کامل و بی‌نیاز محتاج‌اند، خداوند علتی ندارد.
- قرآن کریم ما را به معرفت عمیق‌تر درباره‌ی خداوند فرا می‌خواند و راه‌های گوناگون برای درک وجود او و نیز شناخت صفات و افعال او به ما نشان می‌دهد.
- خداوند متعال، هر لحظه دارای فیضی نو و جدید و دائمی برای مخلوقات است و خداوند مخلوقات را به حال خود واگذار نکرده است / صفت اداره‌کننده و مدیر و مدبر برای خداوند ناظر بر مفهوم توحید در ربوبیت است.
- افزایش خودشناسی علت افزایش عبودیت و بندگی است. / رسول اکرم (ص) به دلیل آگاهی و معرفت بیشتر از خداوند می‌خواهد که یک لحظه هم لطف و رحمت خاصش را از او نگیرد.
- همه موجودات پس از پیدایش نیز همچنان مانند لحظه نخست خلق شدن نیازمند خداوند هستند.
- هرکس که چیزی را پدید می‌آورد مالک آن است. / از آن‌جا که خداوند تنها خالق جهان است، پس تنها مالک آن نیز هست / مبنای توحید در مالکیت، توحید در خالقیت است.
- «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» فقط یک شعار نیست / التزام به این عبارت همه‌ی زندگی فرد تازه مسلمان را در رابطه با خدا، خوبستن، خانواده و اجتماع و ... تغییر داد که این تغییر از زبان جعفر بن ابی‌طالب در حضور پادشاه حبشه بیان شد.
- انسان موحد، همواره انسانی امیدوار است / در مقابل سختی‌ها صبور و استوار است / باور دارد که دشواری‌های زندگی نشانه‌ی بی‌مهری خداوند نیست / انسان موحد می‌کوشد تمایلات درونی، تصمیم‌ها و فعالیت‌های خود را در جهت خواست و رضایت الهی قرار دهد.
- دشمن خدا در حقیقت دشمن مؤمنان نیز هست. جامعه موحد، حکومت کسانی را که خداوند به آن‌ها حق حکومت کردن را نداده است نمی‌پذیرد / با آنان که با خداوند و مسلمانان دشمنی می‌ورزند، دوستی نمی‌کند.
- برخی انسان‌ها جهان خلقت را ملک خود تلقی می‌کنند و بدون توجه به نظر و رأی مالک حقیقی آن، هرگونه که بخواهند در آن تصرف می‌کنند و در واقع خود را مالک و ولی و پرورش‌دهنده (رب) جهان می‌پندارند.
- قرآن کریم معیارهای ثابت توحید و شرک را به ما نشان داده و تطبیق این معیارها با زندگی فردی و اجتماعی را بر عهده خودمان نهاده است.
- اگر انسان در اخلاص پیش رود، به مرحله‌ای می‌رسد که دیگر فریب و وسوسه‌های شیطان را نمی‌خورد / شیطان اقرار کرده است که توانایی فریب مؤمنان با اخلاص را ندارد / حضرت یوسف (ع) چون «مخلص» بود دام‌های شیطانی زلیخا او را از بدی و زشتی بازداشت.
- خداوند می‌فرماید به شما یک پند می‌دهم، آن هم این است که به‌صورت جمعی و فردی برای خدا (خالصانه) قیام کنید / قیام برای خداوند از مصادیق اخلاص است / (اخلاص معنای دیگری از توحید عبادی (عبادت) است.) / زندگی عرصه عبادت و بندگی خداست.

- اخلاص به معنای خالص کردن و پاک کردن یک چیز از غیر آن است / اخلاص درجات و مراتب دارد / اعمال انسان هر چه با اخلاص بالاتری همراه باشد، ارزش بیشتری دارد.
- انسان باید تلاش کند آن چه را از توحید در اندیشه و عقل خود پذیرفته است به یک اعتقاد قلبی و درونی تبدیل کند و با آن انس قلبی برقرار کند تا در رفتار و کردارش مؤثر باشد.
- گروه‌های تکفیری با استفاده از نیروهای بانگیزه اما ناآگاه جهت مبارزه را تغییر دادند و به جای مبارزه با دشمنان به کشتن مسلمانان در جهان پرداختند و نتیجه‌ی آن ویرانی‌ها و بهره‌برداری کشورهای استعماری از این فرصت برای معرفی اسلام با چهره خشن و مساوی پنداشتن آن با جاهلیت است.
- حکمت، به معنای علم محکم و استوار و به دور از خطاست / حکمت هدف درست و راه رسیدن به آن را نشان می‌دهد / حکمت مانع لغزش‌ها و تباهی‌ها می‌شود / قرآن کریم لقمان را به داشتن حکمت توصیف کرده است.
- دریغ و آزر ناشی از اختیار است / احساس رضایت و ندامت و پشیمانی از نشانه‌های اختیار است / پذیرش اشتباه نشانه‌ی اختیار است.
- انسان‌ها در انجام اعمال خود، مختار و آزادند / مجازات و پاداش انسان مبتنی بر عدل و مطابق با افعال آزادانه و اختیاری خود انسان‌هاست / این انسان است که به خودش ستم می‌کند و مجازات و عقوبت الهی به منزله ظلم خداوند بر انسان نیست.
- انسان خداشناس می‌داند که جهان خلقت، حافظ و نگهدارنده‌ی آن است که در کار او اشتباه نیست / فقط با زندگی در یک جهان قانونمند، که پشتوانه‌ی آن علم و قدرت خداست، امکان حرکت و فعالیت وجود دارد و با زندگی در چنین جهانی می‌توان قوانین حاکم بر جهان هستی و خلقت را شناخت.
- آینده‌ی زندگی هر فرد در موارد زیادی متأثر از رفتارهای گذشته او، اعم از رفتارهای خوب و بد است / افزایش گناه آثار زیانبار از جمله نزول بلا و عدم استجاب دعا را به دنبال دارد. / تقوا و ایمان واقعی به خداوند سبب نزول برکات الهی می‌گردد.
- خداوند به بندگان خود محبت دارد و با همه‌ی آنان چه نیکوکار و چه گناهکار، به لطف و مهربانی رفتار می‌کند. / حتی آن‌جا که خدا بر کسی غضب می‌کند، باز هم از دریچه لطف و رحمت است.
- در سنت املاء و امهال مهلت‌ها و امکانات با اختیار و اراده انسان به صورت بلائی الهی جلوه‌گر می‌شود و باعث می‌شود بار گناهان هر روز سنگین و سنگین‌تر شده و فرد به شقاوت ابدی گرفتار شود / در سنت استدراج، فرد علاوه بر مهلت و افزایش امکانات با استفاده از امکانات و اصرار در گناه به تدریج به هلاکت ابدی نزدیک می‌شود. / قرار گرفتن در دایره این دو سنت، نتیجه عمل خود انسان‌هاست.

زبان انگلیسی

نکات گرامری

وجه معلوم و مجهول:

- جملات از لحاظ حضور و یا عدم حضور فاعل (انجام‌دهنده کار) در جمله به ترتیب به دو دسته معلوم و مجهول تقسیم می‌شوند. بحث معلوم و مجهول با بحث افعال لازم و متعدی در ارتباط است. بر اساس نوع فعل از جهت لازم و متعدی بودن جمله ممکن است به سه قسمت تقسیم شود. جمله معلوم با فعل لازم، جمله معلوم با فعل متعدی، جمله مجهول با فعل متعدی.

He arrived late as usual.

او طبق معمول دیر رسید.

I had to break a window to get to the house.

باید یک شیشه را می‌شکستم تا به داخل خانه بروم.

The window was broken by the thieves.

شیشه توسط دزدان شکسته شده بود.

- فعل لازم به مفعول نیاز ندارد. جمله معلوم با فعل لازم دارای دو جز اصلی فاعل و فعل اصلی است.

مثال:

My little sister came.

خواهر کوچکم آمد.

فاعل فعل

- فعل متعدی به مفعول نیاز دارد. مفعول اغلب در جواب چه کسی (را) و چه چیزی (را) می‌آید. جمله معلوم با فعل متعدی دارای سه جز اصلی فاعل، فعل اصلی و مفعول است.

مثال:

مینا آن کتاب را خواند.

Mina read the book.

مفعول فعل فاعل

● جملات معلوم با افعال متعدی را می توان مجهول کرد. همانطور که بیان شد مفعول یکی از اجزای لازم در جملات حاوی فعل متعدی است. برای مجهول کردن جمله معلوم، ابتدا مفعول جمله را به جایگاه ابتدایی جمله انتقال می دهیم. سپس، فعل "be" را (با توجه به زمان فعل جمله معلوم و با توجه به مفرد یا جمع بودن مفعولی که به ابتدای جمله آوردیم) در زمان مناسب و با شکل مناسب، استفاده می کنیم. در مرحله آخر بعد از "be"، فعل اصلی جمله معلوم را به صورت شکل سوم آن یعنی اسم مفعول (p.p.) قرار می دهیم. به این ترتیب پایه جمله مجهول را می سازیم.

مثال:

Tom painted house. جمله معلوم:

مفعول فعل فاعل

... The house: مرحله اول

... The house was: مرحله دوم

The house was painted.: مرحله سوم

● با آوردن "by phrase" در انتهای جمله می توانیم فاعل جمله معلوم را به جمله مجهول آن انتقال دهیم:

مثال:

The house was painted by Tom.

● انواع فعل "be" در جملات مجهول:

am, is, are	زمان حال ساده
am, is, are + being	زمان حال استمراری
was, were	زمان گذشته ساده
was, were + being	زمان گذشته استمراری
have, has + been	زمان حال کامل
had + been	زمان گذشته کامل
will + be	زمان آینده ساده
am, is, are + going to + be	زمان آینده نزدیک
can, should, may,+ be	همراه با افعال کمکی ناقص

مثال:

The house is painted black and white.

خانه سیاه و سفید رنگ شده است.

The movie is being produced at the moment.

آن فیلم در حال حاضر در حال تولید است.

The money was saved by my mother.

آن پول به وسیله مادرم پس انداز شده بود.

The house was being built on the site of the old mansion.

آن خانه در جای آن قلعه قدیمی در حال ساخته شدن بود.

The books have been sent to the library.

کتابها به کتابخانه فرستاده شده اند.

The report had been written yesterday.

آن گزارش دیروز نوشته شده بود.

The meeting will be held in the conference room.

جلسه در اتاق کنفرانس برگزار خواهد شد.

The wonder of the year is going to be the Chavoshi's new album.

شگفتی امسال قرار است آلبوم جدید چاووشی باشد.

The regular customers should be offered more discount.

به مشتریان دائم باید تخفیف بیشتری اختصاص یابد.



- اسم مفعول یا قسمت سوم فعل: وجه وصفی گذشته یا اسم مفعول، قسمت سوم فعل است که در زمان های کامل مثل ماضی نقلی و ماضی بعید و در جملات مجهول و مانند آن به کار می‌رود. اسم مفعول با توجه به نوع فعل در دو دسته قابل بررسی است:
افعال با قاعده: افعالی هستند که زمان گذشته و اسم مفعول آنها با اضافه کردن <ed> به آخر مصدر ساخته می‌شود، مانند:

answer	answered	answered
Present Tense	Past Tense	Past Participle
break	broke	broke
have	had	had
come	came	come
eat	ate	eaten

افعال بی‌قاعده: افعالی هستند که ساخت زمان گذشته و اسم مفعول آنها تابع قاعده معینی نیست، مانند:

- ساخت جملات مجهول در زمان‌های مختلف با فعل "keep" به صورت مثال:

زمان جمله	جمله معلوم	جمله مجهول
حال ساده	I keep the butter in the fridge.	The butter is kept in the fridge.
حال استمراری	Mina is keeping my house tidy.	My house is being kept tidy.
گذشته ساده	Mary kept her secret forever.	The secret was kept forever.
گذشته استمراری	The theatre was keeping a seat for you.	A seat was being kept for you.
حال کامل	I have kept all your old letters.	All your old letters have been kept.
گذشته کامل	He had kept up his training for a month.	His training had been kept up for a month.
آینده ساده	Mike will keep his promise.	The promise will be kept.
آینده نزدیک	He is going to keep the house tidy.	The house is going to be kept tidy.
فعل کمکی ناقص	The little lion could hunt the rabbit.	The rabbit could be hunted.

سوال ضمیمه

- این سوالات کوتاه که به انتهای جملات افزوده می‌شوند، برای گرفتن تأیید یا رد نظر یا ایده‌ای که در جمله مطرح شده است، کاربرد دارند. سوالات ضمیمه برای جملات مثبت، به صورت منفی به کار می‌روند و در مورد جملات منفی، سوالات ضمیمه باید مثبت باشند.
مثال:

You are a teacher, aren't you?
You are not from Iran, are you?

- قوانین ساخت جملات ضمیمه:

الف. سوالات ضمیمه با افعال کمکی ساخته می‌شوند. اگر در جمله فعل کمکی داشته باشیم همان را در سوال ضمیمه به کار می‌بریم، در غیر این صورت در سوال ضمیمه جملات فاقد فعل کمکی do/ does را با توجه به فاعل جمع یا مفرد، در زمان متناسب با جمله به کار می‌بریم. همانطور که بیان شد اگر جمله مثبت باشد فعل کمکی به صورت منفی و اگر جمله منفی باشد فعل کمکی باید به صورت مثبت استفاده شود:
مثال:

He has been working in this company for years, hasn't he?
Homa can't swim well, can she?
They arrived just on time, didn't they?
They live in a one bedroom apartment, don't they?

ب. در جملات ضمیمه فقط از ضمیر فاعلی متناسب با اسمی که در جایگاه نهاد به کار رفته است، استفاده می‌کنیم.
مثال:

The bride was so happy, wasn't she?

ج. موارد استثنا:

برای عبارات زیر سوالات ضمیمه از ساختی متفاوت پیروی می‌کنند:

1- I am → aren't I

I am the best student in the class, aren't I?

2- let's → shall we

Let's go out for a bite, shall we?

3- This/ that → it

This is a beautiful house, isn't it?

4- These/ those → they

These flowers smell great, don't they?

د. دنباله سوالی برای جملات امری مثبت به صورت will you/ won't you می‌آید.

Please open the door, will you?/ won't you?

ه. دنباله سوالی برای جملات امری منفی به صورت will you می‌آید.

Don't play with the sharp knife, will you?

ی. وجود قیده‌های منفی مانند no one, no where, hardly, never, no, در جملات، مفهوم جمله را منفی می‌کند. در نتیجه سؤال ضمیمه برای این گونه جملات باید مثبت باشد.

Rachel met no one at the party, did she?

نوشتن

- جمله‌های مرکب جملاتی هستند که بیش از یک نهاد دارند و حداقل از دو عبارت مستقل با مبانی مرتبط تشکیل شده‌اند. این عبارتها می‌توانند با حروف ربط به هم متصل شوند. به جملات مرکب زیر توجه کنید.

They went to the concert. They got really good seats.

I really need to go to work. I am too sick to drive.

You can stay at home. You can go out to the cinema.

Everyone was busy. I went to the movie alone.

- چهار نوع از حروف ربط در کتاب درسی معرفی شده‌اند که جملات مرکب را به یکدیگر وصل و آن‌ها را یکپارچه می‌کنند:
الف. پیوندی یا and = addition

برای ربط دو جمله که فعالیت یا احساسات یکسانی را بیان می‌کنند کاربرد دارد:

They went to the concert, and they got really good seats.

ب. تضاد یا but = contrast

برای ربط دو جمله که از لحاظ معنایی با هم تضاد دارند، به کار می‌رود:

I really need to go to work, but I am too sick to drive.

ج. انتخاب یا or = choice

برای بیان انتخاب بین دو موقعیت کاربرد دارد:

You can stay at home, or you can go out to the cinema.

د. نتیجه یا so = result

بین دو جمله به کار می‌رود که جمله دوم نتیجه جمله اول باشد:

Everyone was busy, so I went to the movie alone.

- زمانی که جملات مرکب را به وسیله حروف ربط به هم متصل می‌کنید، قبل از حروف ربط از ویرگول (,) استفاده کنید.

واژگان

Vocabulary واژه	Translation معنای کلمه	Vocabulary واژه	Translation معنای کلمه
Interest	علاقه	Access	دسترسی داشتن
Knowledgeable	مطلع، باهوش	Addiction	اعتیاد
Lovingly	همراه با عشق، عاشقانه	Boost	تقویت کردن
Pity	رحم	Brain	مغز
Prediction	پیش‌بینی	Calligraphic	مرتبط با خطاطی
Pronounce	تلفظ کردن	Communicate	ارتباط برقرار کردن
Rarely	به ندرت	Connection	ارتباط
Reception	پذیرش	Correctly	به طور صحیح
Recognize	شناسایی کردن	Creation	خلقت
Regard	محسوب کردن	Dedicate	وقف کردن
Select	انتخاب کردن	Destroy	نابود کردن
Skillfully	با مهارت	Distinguish	تمایز دادن
Solution	راه‌حل	Follow	دنبال کردن
Spare	دریغ داشتن	Forget	فراموش کردن
Success	موفقیت	Forgive	بخشیدن
Surprise	متعجب کردن	Foundation	شالوده، پایه
Variation	گوناگونی	Imaginary	تخیلی
Inspiration	الهام	Inform	آگاه کردن
		Information	اطلاعات

- فعل متعدی در جمله به مفعول نیاز دارد. مفعول در جمله انگلیسی پس از فعل قرار می‌گیرد.
- کلمات ربط می‌توانند همپایه‌ساز دو جمله باشند، تضاد بین دو جمله را بیان کنند، برای نتیجه‌گیری به‌کار روند، یا انتخاب را نشان دهند.
- برای جملات مثبت، دنباله سوالی منفی و برای جملات منفی دنباله سوال مثبت استفاده می‌کنیم. اگر ظاهر جمله مثبت ولی مفهوم آن منفی باشد، برای آن از دنباله سوالی مثبت استفاده می‌کنیم. قیدهایی مانند "rarely, seldom" و کمیت‌سنج‌هایی مانند "little و few" به جملات مفهوم منفی می‌دهند.

متن کلوز

- متن کلوز غالباً یک پاراگراف است که در آن کلماتی جا افتاده است. متن‌های استاندارد برای آزمون‌های دانشگاهی و سراسری در کشور دارای پنج جای خالی هستند. جاهای خالی به‌وسیله ی نکات دستوری و واژگانی که به صورت چهار گزینه‌ای در آمده‌اند کامل می‌شوند.

متون درک مطلب

- برای درک بهتر متن ریدینگ باید دو مهارت "Skimming" و "Scanning" را با تمرین آموخت.
- "Scanning" به معنی جستجو کردن جزئیات در متن است. در این روش خواننده متن دنبال اسامی خاص، تاریخ و اعداد و اطلاعات جزئی و چیزهایی از این دست می‌گردد.